

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی جامعه ماد

کوروش صالحی*

(تاریخ دریافت: 94/2/17، تاریخ پذیرش: 94/7/29)

چکیده

با در نظر گرفتن تغییرات عظیم در رفتار مردمان ساکن ایران‌زمین با همسایگان مهاجم خود، می‌توان به نقش با اهمیت مادها در تکوین و تحول سیاست‌های نظامی در درون جامعه ایرانی آن زمان پی برد. به جهت اتحاد و تجمع نیروی نظامی قبایل ماد در سایه تشکیل ارتش، ترکیب آن با افواج نظامی اقوام متحد غیرمادی و شیوه جنگ‌های نامنظم، نظامی شکل گرفت که تا مدت‌ها در دنیای کهن بی‌نظیر بود. در این پژوهش با توسل به شیوه‌های مختلف، به تبیین و تحلیل چگونگی روند تکوین و تحول در جنبه‌های مختلف حیات نظامی مادها پرداخته خواهد شد. این روند تکوین و تحول از دل سیستم ملوک‌الطوایفی قبایل مادی آغاز شد و به تدریج از حالت انزوا یا تدافعی به صورت حالت تهاجمی فرامرزی تحول پیدا کرده و مراحل را پشت سر گذارد که در این جا شایسته بررسی و تدقیق بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: ماد، نظامیان، آشور، دیاکو، هووخشتره.

*salehi@lihu.usb.ac.ir

1. عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

1. مقدمه

موقعیت جغرافیایی ایران و وجود قبایل گوناگون در آن از پیچیده‌ترین مسائل تاریخ ایران بوده است. برای سرزمینی که در چهار راه مهاجرت اقوام و رقابت‌های قومی و همچنین هجوم جوامع کوچنده و مهاجم قرار داشت، طبیعی به نظر می‌رسید که طبقه جنگیان ترسیم‌کننده حد و مرز نظم داخلی و مناسبات خارجی آن باشند¹. یگانه اصل اساسی حفظ خویشتن و سلطه بر دیگران بوده که فلسفه وجودی پیشه جنگاوری و راز بقای طبقه جنگیان را رقم زده است. جنگ از دیدگاه آریائیان امر مطلوبی نبود، اما آنان مجبور بودند مراحل از تاریخ را، که گریزی از آن نبود، با این مساله سپری کنند. پراکندگی قبایل ماد و غارت‌های بزرگی که دولت شهر آشور به عمل می‌آورد، رفته‌رفته راه و روش زندگی جنگی مادها را ترسیم کرد. در آن زمان اتحاد و ساختن ماشین جنگی امری گریزناپذیر بود که مادها بایست در پی تحقق آن باشند. شاهی دیاکو و ایجاد ساختار سیاسی - نظامی نسبتاً متمرکز، نخستین مسئله تعیین راه و روش نوین در دنیای باستان ایران بود. اگرچه قدمت حکومت در ایران به ادوار پیش از مادها باز می‌گردد، اما پادشاهی ماد شاید نخستین حکومتی بود که توانست قلمرو خود را فراتر از زادبوم خود ببرد. تشکیل این حکومت در حکم آغاز تاریخ شاهی ایران است. اطلاعات ما از حکومت مادها، چندان زیاد نیست. شواهد موجود از بنیان‌گذاری اجتماعی بزرگی در خصوص صیانت از کشوری که به تازگی دچار یک دگردیسی حکومتی شده بود حکایت دارد. اطلاعات ما در ارتباط با مادها بیشتر از روی الواح و کتیبه‌های سومری، آشوری، اورارتویی و مدارک دیگر است. کتیبه‌های هخامنشی نیز اطلاعاتی در این زمینه ارائه می‌دهند. از روی همین کتیبه‌های شاهان هخامنشی در رابطه با حکومت مادها و دیگر آئین‌ها و رسوم مربوط به آن‌ها حدسیاتی زده شده و چنین برمی‌آید که سیستم حکومتی و نظام طبقاتی حکومت مادها شباهت بسیاری به آن چیزی داشته که در دوره هخامنشیان در سطح بزرگ‌تری جلوه‌گر شد. در کتاب اوستا در مورد وضع اجتماعی و دین مادها مطالبی آمده است. شاهنامه فردوسی نیز که تاریخ عمومی ایران است، اطلاعاتی در مورد دوره کیانیان به دست می‌دهد که تا حدودی با دوره مادها منطبق است.

تکون و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

مادها مجموعه‌ای از قبایل آریایی بودند که از آسیای مرکزی به سمت فلات ایران مهاجرت کردند که در مورد مهاجرت آنان و مسیر حرکت آنان اتفاق نظری وجود ندارد. آنان در ابتدا به همان شیوه زندگی پیشینیان خود زندگی می‌کردند، تا این‌که مجبور شدند از دل سیستم ملوک‌الطوایفی خویش، دست به تشکیل اتحادیه بزنند، تا خویشان را در برابر تهاجمات دشمنان به خصوص دولت مهاجم آشور مصون نگه دارند. این مساله شکل‌گیری دولت جهانی ماد را در پی داشت که به دنبال آن تسلط بر خاستگاه‌های تمدنی بابلی، اکدی، سومری و آشوری و ... را نیز در بین‌النهرین یعنی آبادترین منطقه نزدیک به محل سکونت مادها به همراه داشت. به نظر می‌رسد شکل‌گیری اتحادیه قبایلی مادها و حرکت برای عبور از کوه‌های زاگرس در رسیدن به خاستگاه حکومت‌های ساکن در بین‌النهرین از جمله مراحل بعدی تکون قدرت نظامی مادها باشد. دی‌اکو فرزند فرورتیش، رئیس یکی از قبایل مادی، توانست که قبایل شش‌گانه ماد را با هم متحد کند و شاهنشاهی تشکیل دهد. هوخشتره، فرزند فرورتیش که به دست آشوریان کشته شد، کاری کرد که نیای او دی‌اکو آغاز کرده بود. او دولت ماد را تشکیل داد، به اوج خود رساند و دولت ماد را به یک شاهنشاهی به نسبت وسیع تبدیل کرد. او ارتشی منظم و تعلیم دیده تشکیل داد. دیگر قبایل ایرانی را با خود متحد ساخته و به فتوحات وسیع خود پرداخت. هوخشتره که سودای جهانگیری در سر داشت نتوانست به تمام اهداف خویش دست یابد، اما توانست مردمان مادی را در امر اتحاد به سامان رساند. پس از او پسرش آستیگ به سلطنت رسید که با سوء رفتارهای خود موجب رنجش برخی از مردم ماد و به‌ویژه نظامیان شد. سرانجام کوروش هخامنشی پسر کمبوجیه و نوه آستیگ توانست طوایف مادی را با خود هماهنگ ساخته و با جذب هارپاگ مادی به حیات شاهنشاهی ماد پایان دهد و اساس شاهنشاهی هخامنشی را بنیان نهد.

تشکیل دولت ماد و آغاز فرمان‌روایی آنان، شکل‌گیری اتحادیه قبایل و طبقات جامعه ماد، طرح اندیشه نظامی، ساخت دژ و ارگ حکومتی و دفاعی و چگونگی تبدیل سیاست دفاعی به سیاست تهاجمی از موارد اهمیت بخشیدن به طبقه جنگیان در دوره ماد بوده است. پژوهش حاضر بر آن است که با اتکا بر شواهد تاریخی و پژوهش‌های انجام شده در رابطه با تاریخ ماد، وضعیت طبقه نظامیان در آن جامعه را از جنبه‌های مختلف تکون و تحولی که پشت سر گذاشته مورد بررسی قرار دهد.

2. اندیشه نظامی در نگرش اسطوره‌ای ایرانیان

برای درک تحولات نظامی دوره ماد، اشاره‌ای گذرا به دوران اساطیری تاریخ ایران خواهیم داشت؛ زیرا اسطوره نقش بسیار مهمی در بیان و بررسی آراء و اندیشه‌های ایرانیان باستان به خصوص در بعد نظامی دارد. ساختار ابتدایی و طبقاتی اندیشه در جامعه نخستین و ساده آریایی که از قبیله آغاز می‌شد مبتنی بر پدر، پدربزرگ، بزرگ خاندان، بزرگ قوم و بزرگ قبیله بود (دوست‌خواه، 1370/ج 1: 305). براساس نگرش آریایی‌ها، بخشی از اقوام هندواروپایی هستند، خلقت انسان به گونه‌ای است که هر کس برای پیشه خاصی ساخته شده است². بنابر روایات دینی زردشتی، نظامیان طبقه خاص خود را داشته و طبقات سه‌گانه برآمده از سه فرزند زرتشت است³. در هفت هات اوستا، هات 40 بند 3، طبقات اجتماعی شامل آثروَن، ارتشتاران و برزیگران است (دوست‌خواه، 1370/ج 1: 208). در یسنای 19، هات 17 علاوه بر سه طبقه‌ای که یادشد، از قشر چهارمی هم به نام «هوئیتی»⁴ نام برده شده که شامل صنعتگران بوده و در عین حال از دام‌پروران نیز نام برده شده است (دوست‌خواه، 1370/ج 1: 176).

در روایت‌های افسان‌های دیگر، ریشه این موضوع که بعداً به تشکیل طبقات اجتماعی انجامید، به جمشید باز می‌گردد.⁵ گفته می‌شود او از جهت نظم جامعه چنین تقسیم کاری کرد، و در این میان جایگاه رزمیان را به عنوان دومین گروه بارز جامعه مشخص ساخت. فردوسی به هنگام پرداختن به بخش جمشید پیشدادی، از چهار گروه یا طبقه اجتماعی نام می‌برد که عبارت از «کاتوزیان» یا ستایش‌گران، «نيساريان» یا جنگاوران، «آزادگان» یا کشاورزان و «هتو خوشی» یا خوش‌گذرانان است (فردوسی، 1960، ج 1: 40).

در گات‌ها، هات 30 بند 3 به وجود دوگانگی یا اعتقاد به دو نیروی خیر و شر و رقابت میان این دو در جهان هستی اشاره می‌شود (دوست‌خواه، 1370/ج 1: 14). در چنین نوع نگرشی، غایت رزم و مبارزه، غلبه خیر بر شر و نیروی نیکی بر بدی است. رزم و جنگاوری نیز برای تحقق عدالت، نیکی، حفظ نظم طبیعی و اخلاقی که بعدی از «آرته»⁶ است، صورت می‌گرفت. بدین‌سان غایت منش و کردار نظامی و جنگ و رزم کوششی برای زیستن در چارچوب کیهانی و حفظ آن و ابزاری برای برقراری عدالت و نابودی مخالفان نظم و عدالت و حامیان دروغ در زمین بود (See: Iyer, 2009:152).

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

اندیشه نظامی در نگرش اسطوره‌ای ایرانیان بر حول دو محور می‌چرخید. یکی از آن‌ها توجیه اخلاقی جنگ بود که برای برقراری عدالت و مبارزه با بدی و بی‌نظمی صورت می‌گرفت و از این‌رو امری غایتمند و هدفدار تلقی می‌شد. در نگرش آریائی‌های ایرانی، مبارزه و رزم امری هدفمند و غایتمند است و غایت و هدف آن دستیابی به ارزش‌های والا و مقدس است. محور دوم تقسیم کار اجتماعی و مشخص شدن جایگاه گروهی از افراد به نام نظامیان و نیز شکل‌گیری اولیه نهادی به نام نهاد نظامی یا ارتش است که این دو بعد وارد اندیشه‌های زردشتی و نیز سیستم مادها و هخامنشیان شد. علاوه بر آن چه گفته شد و همچنین براساس دیگر تعبیر اسطوره‌ای (فردوسی، 1960-1971) برخی از مسایل و مؤلفه‌های اصلی اندیشه نظامی ایرانیان باستان را این‌گونه می‌توان برشمرد.

1- تبیین فلسفه وجودی نظامیان که عبارت بود از حفظ بقا، استقلال و امنیت مرزهای کشور، دین و نظام سیاسی جامعه و مردم؛ 2- کشف آتش، آهن و ابداع و ساخت وسایل آهنی در دوره هوشنگ پیشدادی (فردوسی، 1960، ج. 1، 33-34)؛ 3- ابداع خط و نگارش در دوره طهمورث زیناوند در جنگ او با دیوان (فردوسی، 1960، ج. 1، 38) و استفاده از آن در مکاتبات و فرامین سیاسی و نظامی؛ 4- نکشتن مغلوبین در جنگ و به اسارت گرفتن آن‌ها و استفاده از هنر و دانش اسیران (همان منبع)؛ 5- استفاده گسترده از اسب و سوارکاری؛ 6- ساخت ابزارهایی مانند تبر و گرز و یا ساخت ابزارآلات جنگی مانند شمشیر و خنجر و سپر در داستان جمشید (فردوسی، 1960، ج. 1، 39) و تشکیل نیروهای رزمی منظم در همان دوره (فردوسی، 1960، ج. 1، 40). از محتوای اساطیر مختلف چنین برمی‌آید که خانواده‌های آریائی همواره آماده بودند تا از جان و مال خود در مقابل هجوم بیگانگان دفاع کنند. آنان مردمانی سخت‌کوش و پرجوش و خروش بودند. اندیشه نظامی‌گری مردمان مزبور در حماسه‌های ملی و افسانه‌ای پیش از تاریخ آنان مشخص است (چند تن از خاورشناسان فرانسوی، 1366، 52). نظام اجتماعی اقوام مزبور براساس نظام قبایلی بوده و رهبران قبایل جایگاه ممتاز رهبری معنوی، سیاسی و اجتماعی را در میان مردم خود دارا بودند (دوستخواه، 1370/ج. 1: 350).

3. طبقات اجتماعی ماد پیش از تشکیل پادشاهی آنان

به رأی مورخان شوروی، از نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد، تغییرات عمده‌ای ناشی از توسعه فلزکاری و مشخصاً ظهور عصر مفرغ در زندگی ساکنان فلات ایران پدید آمد. در تاریخ این مناطق مرحله جدید و عالی‌تر توسعه آغاز شد و تأثیر عمده‌ای بر تمامی جهات و شئون زندگی اقوام فلات ایران برجای گذاشت. شکل‌گیری روابط قومی و قبیله‌ای سرعت یافته بود و در حقیقت زمینه برای حلول عصر جدید، عصر ظهور تدریجی جامعه طبقاتی در مناطق وسیعی از فلات ایران آماده شد. به نظر علی‌یف، نخستین تشکلهای حکومتی در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد در منطقه زاگرس و از جمله در سرزمین ماد آینده پا به عرصه وجود می‌نهند. مهم‌ترین و بارزترین مشخصه آنها نه نژادی - قومی بلکه تقسیمات جغرافیایی سرزمین آنها بود. بدین ترتیب علی‌یف نتیجه‌گیری می‌کند که ظهور طبقات اجتماعی در نواحی مشخص و بسیار پیشرفته ماد آینده در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد روی می‌دهد. او در ادامه چنین می‌نویسد که متأسفانه تقریباً هیچ‌گونه شاهدهی برای نخستین تشکلهای حکومتی کوچک در سرزمین مورد نظر در دست نیست، تنها نام آنها را می‌دانیم (علی‌یف، 1388: 250).

اندیشه طبقاتی و تمایز فطری، فکری، فرهنگی یا خوی و نژادی، بخشی از سرشت و دریافت‌های مبتنی بر واقعیت زندگی آریائی‌ها از پگاه پیدایش آن بوده است.⁷ مضامین حماسه‌ها و سروده‌های کهن خاطر نشان می‌سازد که در اجتماع آریائی‌ها سه طبقه یا کاست وجود داشته است. طبقه اول اشراف و فرمان‌روایان و طبقه دوم سران جنگی و گروه‌های بعدی شامل عامه مردم، بردگان و مغلوبین جنگ است. پادشاه را، آن‌چنان که بعدها مورد توجه تمامی مردمان قرار گرفت، مقامی نبود اما هرگاه رئیس قبیله و یا گروهی نیرو و قدرتی پیدا می‌کرد، گروه‌ها و قبیله‌های دیگر به او می‌پیوستند و با زور و جبر قبایل دیگر را تحت اختیار خود در می‌آوردند و واحد بزرگ‌تری را تشکیل می‌دادند. اشراف برجسته، خاندان‌هایی بودند که از میان آنان فرمان‌روایان و رؤسای نیرومندی برمی‌خاست و آن خانواده‌ای بیشتر ارزش و مقام داشت که از میان آن عده بیشتری رؤسا و فرمان‌روا برخاسته بود و در مواقعی هرگاه نیاز به فرمان‌روا احساس می‌شد، به همان خانواده‌ها رجوع می‌شد (رضی، 1382: 112).

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

چنین به نظر می‌رسد که تبیین جایگاه طبقات اجتماعی در ادوار باستان، بیشتر حول محور جوامع ابتدایی قابل بررسی است. در این تعاریف، شاخص‌هایی برای حدود و قلمرو یک طبقه، مانند حرفه، درآمد، ثروت، تفوق استعدادها و اثبات شخصیت، انحصار موقعیت‌ها و دسترسی به اموال ارائه شده است. اگر چه در دوره مادها هنوز طبقات به آن شدتی که در ادوار بعدی تعیین پیدا می‌کند، صورت تشخیص کمتری داشت، اما تغییرات کلی در تبدیل سیاست دفاع محلی به هجوم گسترده به دشمن در خارج از مرزهای بومی سبب پیدایش رگه‌هایی از حرف و صنوف خاصی در قلمرو جنگ و تدارکات آن شد. با تشکیل حکومت هخامنشی و تغییر اوضاع اقتصادی و اجتماعی کم‌کم جامعه طبقاتی جای جامعه دودمانی را گرفت، ولی رؤسای دودمان‌ها از برکت اراضی و اموال فراوانی که گرد آورده بودند، قدرت سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کردند تا جایی که داریوش به کمک آنان توانست بردیای دروغین جانشین کمبوجیه را از میان بردارد (مشکور، 1366:408). همان‌گونه که دانشمندان شوروی سابق دریافته بودند، سازمان اجتماعی جامعه ماد نوعی سازمان عشیرتی در حال تبدیل بود (دیاکونوف، 1377:197). توسعه زراعت و پرورش دام به‌ویژه اسب، تغییرات زیادی را در قلمرو مراتع و اقوام مادی به وجود آورد. به تدریج اقوام مادی برای تسخیر اراضی دیگران و گسترش قلمرو خود به صف‌بندی و لشکرکشی مشغول شدند. سربازان این جنگ‌های بیشتر محلی از میان اقوام و متحدان غیر مادی بودند. آنچه سبب تحقق حکومت مادی در سایه ایجاد طبقه جنگیان بود، حملات هستی‌برانداز آشوریان به این قلمرو بود. بدین‌سان گمان می‌رود که تقسیمات ارضی، قبیله‌ای، عشیرتی، مؤسسات جماعت بدوی و تأسیسات جامعه طبقاتی در آن دوران به وضع عجیبی متداخل شد، و درهم آمیخته و در کنار هم می‌زیسته و دائماً با یکدیگر در ستیر و مبارزه بودند. تقسیم کار اجتماعی در این بافت جمعی وجود داشته است. ارتشتاران و جنگ‌جویان کار نگهداری را به عهده داشتند و گله‌داران که بعدها به کار کشاورزی نیز مشغول شدند، مایحتاج جامعه را تولید می‌کردند و در مراحل بعدی هم هویتی‌ها یا صنعت‌گران به آن‌ها پیوستند (دوستخواه، 1370:ج1/176).

مادها از میراث آشور و بابل اقتباساتی در زمینه منابع، هنرها و آداب درباری داشتند (بیژن، 1350:121). توسعه کانون‌های اداری و سلطنتی و لزوم ایجاد ارتش برای مقابله با بیگانگان روز به روز گسترش می‌یافت. این گسترش روز افزون ایجاد ضوابط اجتماعی جدیدی را

ایجاب می‌کرد که در زمان‌های پیشین لزومی مبنی بر ایجاد آن نبود. طبقات مختلف جامعه مادی که در قالب جنگیان، بزرگان و شبانان بود و در قرون بعد طبقات روحانیان و کسبه بر آن افزوده شد، ساختار جامعه را تشکیل می‌داد. در این میان نظامیان جایگاه ویژه‌ای داشتند. گروه ارتشتاران که پاسداری از مرز و بوم و تخت سلطنت بر عهده ایشان بود، اهمیت والایی در حفظ کیان و قلمرو کشور داشتند. در قسمت بالا به اختصار به شیوه تشکیل طبقات اجتماعی مادها اشاره شد. طبقات اجتماعی که آنان تشکیل دادند، تقریباً تا زمان حکومت ساسانیان کمابیش تداوم داشت. طبقات مزبور با ظهور ساسانیان که طبقات نوینی در جامعه تعین یافت، دست نخورده باقی ماندند (ماسه و گروسه، 1381:50).

4. صورت انفعالی یا تدافعی اولیه سرزمین ماد در برابر هجوم همسایگان

بین سال‌های 1100 و 1000 ق.م گروه‌های آریایی به درون فلات ایران مهاجرت کردند. کتیبه‌های آشوری تا سال 834 ق.م نامی از مادها و پارس‌ها نبرده‌اند، اما از همین سال است که به وجود قبایل ایرانی مزبور اشاره شده است؛ بنابراین براساس سال‌نامه‌های باقی‌مانده از آشوریان، در نیمه قرن نهم ق.م، دو قوم ماد و پارس در قسمت‌هایی از فلات ایران مستقر شدند (ناردو، 1379:21). مادها در نواحی غربی و شمال غربی ایران و پارسیان در مناطق جنوبی‌تر و در حوالی سوزیانا استقرار یافتند (See:Potts, 2014:47-87). مادها با ویژگی‌های زندگی شبانی و روستایی به ایران آمدند، و سیستم ملوک‌الطوایفی آنان چنین ایجاب می‌کرد که هر قبیله برای خود مشخصه خاصی در جهات مختلف فرهنگی مانند لهجه، پوشاک و رنگ لباس و نوع کلاه داشته باشد (سرافراز و فیروزمندی، 1373:133). آنان در مناطق کوهستانی ساکن شدند تا در هنگام هجوم دشمنان بتوانند به کوه‌ها پناه ببرند. این تفکر تدافع فیزیکی سبب دوام و حفاظت آنان در مقابل هجوم دولت‌های همسایه شد. دولت ماد درست زمانی در فلات ایران برپا شد که دولت آشور مشغول تهاجم به سرزمین ایلام و دیگر نواحی ایران و بین‌النهرین بود؛ بنابراین کوه‌ها یکی از مهم‌ترین پناهگاه‌های مطمئن برای قبایل مادی در برابر هجوم آشوریان بود.

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

مادها از طریق جنگ و غلبه بر عناصر بومی ایران زمین، وارد این سرزمین شدند. آنان پس از اسکان نیز خود را درگیر با دشمنان خارجی دیدند که در رأس آنان دولت جنگ‌طلب آشور قرار داشت و به ناچار برای بقای خود باز هم مجبور به جنگ شدند. انگیزه و دلیل این جنگ‌ها نیز متفاوت بود.⁸ انگیزه بسیاری از کشاکش‌ها در طول تاریخ، از جمله تهاجمات آشوریان بر ضد مادها، عبارت از غارت، چپاول و کسب غنایم، قدرت‌نمایی، مقابله به مثل و مسائلی از این قبیل بوده است که کتیبه‌های باقی‌مانده از این چنین رویدادهایی مشهور است.

اشاره شد که در حدود سال 834 ق.م در کتیبه‌های آشوری به وجود قبایل مادی و پارسی در قلمرو فلات ایران اشاره می‌شود. در همین سال است که شَلْمَنَسِر سوم (858-823 ق.م.) یک سفر جنگی به نواحی کردستان کرده و برای نخستین بار از دو نوع مردم نام می‌برد. یکی از آن‌ها را پارسوا و دیگری را مادی می‌نامد. لشکرکشی مزبور بر علیه نمری بود و شَلْمَنَسِر سوم تا عمق نواحی شرقی پارسوا نفوذ کرد.⁹ آشوریان برای بازگشت به خانه خود مجبور شدند به دشت همدان رخنه کرده و در طول راه خراسان بزرگ به مسیر خود ادامه دهند. مضمون کتیبه شَلْمَنَسِر سوم چنین است:

از نَمَری حرکت کردم. هدایای 27 تن از پادشاهان سرزمین پارسوا را دریافت کردم. از پارسوا حرکت کردم. در سرزمین‌های مَسی (؟) و مادها، سرزمین‌های آرازباش و هارهار فرود آمدم. شهرهای ... را همراه با شهرهای همسایه‌شان، تصرف کردم. جنگجویان‌شان را کشتم ... شهرهایشان را ویران، تباه و به آتش کشیدم. تمثال سلطنتی‌ام را در سرزمین هارهار برپا داشتم (Luckenbill, 1926:207).

در زمان «شمشی اداد چهارم» (1050-1053/4) پسر و جانشین شلمنسر سوم، مادی‌ها بار دیگر به‌عنوان کسانی که سرزمین‌شان فتح شده و خراج‌گزاراند، در کتیبه‌های آشوری برای بار دوم نمایان می‌شوند. چنین به نظر می‌رسد که سرزمین مادی‌ها دارای جمعیت زیادی بوده، چرا که دارای شهرهای بسیار بوده و از تعداد زیادی اسیر جنگی مادی در کتیبه‌های آشوری سخن به میان آمده است. همین پادشاه در سال 810 و سال پس از آن هفتمین سفر جنگی خود را علیه سرزمین ماد انجام می‌دهد (See: Huart, 1998, 27).

تیگلات پیلسر سوم (745-727) به محض نشستن بر تخت شاهی، اصلاحات اداری و نظامی چندی را در بخش‌های مختلف حکومت آشور برقرار ساخت که به برتری آشور در

خاور نزدیک جان تازه‌ای بخشید. پیش از این بخش بزرگی از ساکنان ناحیه تسخیر شده را سر می‌بردند و تنها عده کمی را از افراد کارآمد به بردگی می‌بردند. از زمان تیگلت-پیلسر سوم، تشخیص داده شد که این شیوه نامناسب و از لحاظ دستاوردهای به‌دست‌آمده برای حکومت آشور کم سود است. از آن پس چون توانسته بودند سرزمین گشوده شده را جزء خاک آشور سازند، مردم آن سرزمین را در محل بر جای گذاشته، مالیات‌های سنگین وضع می‌کردند و یا در بیشتر موارد ایشان را به نقاطی که پیش از آن بر اثر لشکرکشی‌های آشوریان ویران و غیرمسکون شده بود، تبعید می‌کردند و به جای آنان ساکنان نقاطی را که در دیگر مرزهای پادشاهی خویش تسخیر کرده بودند، متمکن می‌ساختند. بدین‌سان بهره‌برداری خردمندانه‌تری از سرزمین‌های امپراطوری آشور صورت می‌گرفت و تغییر محل مردم امکان تبانی و ایستادن در برابر دست‌اندازان را برای مردم دشوار می‌ساخت. «تیگلات پیلسر» در «بیت ذاتی»، ناحیه‌ای در پارسوا، عده‌ای از اسیران را آزاد کرد، پیش از آن انگشتان ایشان را برید تا برای جنگ مناسب نباشند و در ایالت‌های نویناد آشور به منزله کارگر مورد استفاده قرار گیرند. او کوشید تا حتی در سرزمین‌هایی که به‌طور مستقیم جزء متصرفات آشور نشده بود نیز استثمار و بهره‌کشی منظم از مردم را روبه‌راه کند؛ یعنی خراج سالیانه‌ای برای ایشان وضع کند. برای نمونه در «بیت کیسی» چنین کرد. پس از آن تیگلات پیلسر سوم خواست تا «خداوندان دهکده‌های کوهستان»، یعنی سران گروه‌های سراسر «کشور مادهای نیرومند» تا کوه «بیکنی» (دماوند) به‌طور منظم به او خراج پردازند (Luckenbill, 1926:281). او در بخشی از کتیبه معروف به کتیبه لوح ¹⁰نمرود چنین نوشته: «سرزمین‌های ... پارسوا، بیت کیسی، همچنین شهر زاکروتی مادهای نیرومند ¹¹ را به زیر سلطه خود کشیدم. دو تن از صاحب منصبانم را به‌عنوان فرمان‌روای آنان برگزیدم. هدایای (خراج) رؤسای قبایل مادی و همچنین کوه بیکنی را دریافت کردم» (Ibid:281).

در سال‌های بعد، «تیگلت پیلسر سوم» دوباره به سرزمین ماد لشکر کشید. همچنین او در «لوحه نمرود» که مربوط به سال 728 ق.م. است، چنین نوشته: «سرزمین‌های نمری ... سرزمین طلا، ایالات مادهای نیرومند را تا دورترین سرحدات فتح کردم. تعداد بسیاری (از ساکنان آن‌ها) را کشتم. 65000 نفر از مردم را همراه با دارایی‌شان، اسبان‌شان، قاطران‌شان، اشتران‌شان، گاوآنان‌شان (و) گوسفندان‌شان، که بی‌شمار بود، با خود بردم» (Ibid:285-286).

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

در سال 728 ق.م. تیگلات پیلسر سوم در یکی دیگر از کتیبه‌های خود که معروف به «دومین لوحه سنگی نمرود»¹² است چنین آورده:

«من خراج تمامی رؤسای قبایل کوهستانی را تا کوه بیکنی ستاندم. یکی از مقاماتم به نام آشور-دانیانی را به سوی مادهای مقتدر¹³ فرستادم. او 5000 اسب، انسان، گاو و اسب بی‌شمار را با خود آورد» (Ibid:291).

شمشی عداد پنجم (812-824) یکی دیگر از پادشاهان آشوری است که کاتبانش در گزارش عملیات سوم این پادشاه علیه سرزمین ماد این‌گونه دست به قلم برده‌اند:

«من به سوی سرزمین ماتای¹⁴ (مادها) حرکت کردم. آنان در برابر سلاح‌های دهشتناک آشور و یورش جنگی نیرومند، که هیچ کس را یارای مقابله با آن نیست، ترسیدند. شهرهایشان را رها کرده، به سوی کوه سفید حرکت کردند. پشت سر آنها من حرکت کردم. 2300 نفر از مردان هانیسیروکا و ماتای را کشتم ... مایملک، کالاهای آنان را بی‌هیچ زحمتی به آشور منتقل کردم. ساگیتو را با شهر سلطنتی آن و همراه با 1200 شهر (کوچک‌تر) دیگر ویران و تباه کرده و به آتش کشیدم» (Ibid:257).

در سال 722 ق.م. سارگون دوم بخشی از مردمان بنی‌اسرائیل را اسیر کرده و به شهرهای مادی تبعید کرد. پس از مدتی همین پادشاه با ماننا جنگ کرده و رئیس آنان موسوم به دی‌اکو را گرفته و در سال 715 به شامات تبعید کرد. در نهایت این‌که در زمان سلطنت اسرحدون (681-669) لشکریان آشوری تا کنار کویر بزرگ تاختند و غنائم بسیاری گرفتند.

همان‌گونه که از اوضاع قبایل مادی ساکن فلات ایران به روشنی مشخص می‌شود، آنان در ابتدا به دلیل پراکندگی و ضعف در موقعیتی نبودند که بتوانند اقدام به تهاجم علیه همسایگان قدرتمند خود نمایند و بیشتر سیاست انزوای طلبانه را برگزیده بودند. این امر موجب می‌شود آنان از سوی همسایگان قدرتمند خود که سیاست توسعه‌طلبانه درپیش گرفته بودند، دائماً در معرض تهدید باشند. البته سیاست توسعه‌طلبانه آنان همیشه به معنای الحاق سرزمین‌های دیگر به قلمرو اصلی و یا ضبط سرزمین ماد نبود، ولی از آنان خراج و اسیر گرفته می‌شد. در برابر کنش نظامی اقوام مهاجمی چون آشور، مادها از نظر تاریخی در موقعیتی قرار گرفتند که واکنش آنان ایجاد نهادها و ارزش‌ها و ساختارهای تازه‌ای بود که به آن‌ها امکان ادامه حیات دهد.

5. دیاکو و جایگزینی منازعات شخصی با جنگ بر ضد متخاصم

بنابه نوشته هردوت، شخصی به نام دیوکس پسر فرآرتس که دهقان بود به واسطه عدل و انصاف در میان طائفه خود، طرف رجوع عامه شد. بدین معنی که آنان منازعات، دعواها و محاکمات شخصی خودشان را نزد او می‌بردند. رفتار دیاکو درباره بسط عدل و داد و تصفیه اختلافات مردم به زودی در سایر جاها انعکاس پیدا کرد. به روشنی ثابت شد که بی‌وجود او کار مردم لنگ و عرصه زندگی برای‌شان تنگ خواهد شد. بعدها او بی‌میلی خود را برای ادامه کار قضاوت اعلام کرد. در نتیجه بار دیگر بساط تبهکاری از نو برقرار شد. هنگامی که قبایل مادی دریافتند بدون یک فرمان‌روای واحد، وضع آن‌ها فقط هرج و مرج است گردهم جمع شدند و تصمیم گرفتند تا یک نفر را به‌عنوان فرمان‌روای خویش برگزینند. بدین‌سان بود که آن‌ها دوباره سراغ دیاکو رفتند (هردوت، 1368، کتاب یکم، بند 101-96).

دیاکو بر آن شد تا نظم و نظامی در کار حکومت و مردم به وجود آورد. این‌گونه بود که پایه و اساس شاهنشاهی ماد را استوار ساخت. او برای استحکام دولت، به زیردستان خود فرمان داد برای اقامت پادشاه کاخ برازنده‌ای بسازند و دسته نگهبانی ترتیب دهند. مادها نیز کاخ بزرگ و مستحکمی برایش ساختند و نگهبانانی زبده برای این کار برگزیدند (همان). با تأسیس فرمان‌روایی ماد، اقتدار در شخص شاه ماد جمع شد و او از قدرت امرای محلی به شدت کاست. البته بیشتر ایالات و ولایات، امرای خود را حفظ کردند و حکومت در خانواده آن‌ها موروثی بود، اما اتحاد قبایل برای مدافعه و حمله به بیگانگان و پرهیز از هرج و مرج به‌عنوان یک اصل مسلم در سایه اطاعت از یک فرمان‌روا پذیرفته شده بود.

دولت ماد نخستین شاهنشاهی بزرگی بود که از جنگجویان شمالی، که به یک روش فکر و به یک زبان تکلم می‌کردند، تأسیس شده بود (رضی، 1382: 212). در نهایت این مادها بودند که برای نخستین بار تسلط مردمان سامی‌نژاد را در آسیای غربی متزلزل کرده و شالوده برتری اقوام نورسیده را در مشرق قدیم پایه‌ریزی کردند (پیرنیا: 223). دیاکو در طول 53 سال پادشاهی خود (655-708 ق.م) فرصت آن را داشت که قبایل ماد را که تا آن زمان پراکنده بودند، متحد سازد و به نیروی واحدی مبدل کند (سرافراز و فیروزمندی، 1373: 26). هدف اصلی دیاکو نیز همین بود و چنین نیز کرد.

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... _____ کورش صالحی

با کنار هم قرار دادن جزئیات موجود در متون تاریخی می‌توان به روند قدرت‌یابی اقوام مادی پی‌برد. مادها در 715 یا 716 ق.م با کمک پادشاه اورارتو در برخی نقاط قلمرو آشور، شورش‌هایی به راه انداختند، اما سارگون دوم، پادشاه آشور، آشوب‌گران را سرکوب و دی‌اُکو را همراه با خانواده‌اش به سوریه تبعید کرد. با این‌که تاریخ‌روznگار این دی‌اُکو با آنچه هرودت درباره دیوکس، بنیان‌گذار حکومت ماد، آورده حدود 10 تا 15 سال اختلاف دارد، اما احتمالاً دیوکس هرودت، همان دی‌اُگوی منابع آشوری است. هر چند به این مساله که آیا این دی‌اُکو همان دی‌اُگوی تبعیدی است یا خیر، نمی‌توان با قاطعیت پاسخ داد، اما احتمالاً او پس از بازگشت از تبعید به فکر درست‌کردن ارتشی منظم افتاد و نتوانست یک ارتش مستحکم و بادوام بسازد (See: Schmitt, 1994: 226-227).

از نوشته‌های هرودوت چنین برمی‌آید که تا پیش از پادشاهی دی‌اُکو، دعوایا و درگیری‌هایی در بین اهالی ماد وجود داشت و مردم برای رفع منازعات پیش او می‌رفتند. اکنون دی‌اُکو به‌عنوان شاه نقش هدایت جنگی مردم ماد را برعهده داشت. نکته مهمی که از این پس جنگ‌ها را از منازعات شخصی جدا می‌کرد، نظم و سازمان‌یافتگی آن بود؛ زیرا جنگ شکلی از خشونت است که خصلت اساسی آن نظم و سازمان‌یافتگی است. از همه مهم‌تر جنگ مستلزم سازمان جمعی است و تنها مردمی اقدام به جنگ می‌کنند که به‌صورت سازمان‌یافته درآمده باشند. بنا به نوشته برخی از جامعه‌شناسان، دولت به‌صورت خاص به‌عنوان آخرین منبع تمام خشونت‌های مشروع تلقی می‌شود. جنگ به مرور زمان موجب تثویزه شدن و نهادینه‌شدن نوعی از سلطه به نام حکومت «پادشاهی» در جامعه ماد شد و توانست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال سیاسی تا دوران معاصر نیز با مختصر تغییراتی به حیات خود ادامه دهد.

به مرور زمان چالش‌ها فراوانی که بین قوم ماد و دیگر اقوام وجود داشت، جنگ را در زمره اصلی‌ترین نهادهای موجود در ایران درآورد. نهاد جنگ از طریق سازماندهی نیروها و امکانات، ارتش را به وجود آورد و از طریق آن موفق شد به اهداف دفاعی و تهاجمی خود جامه عمل بپوشاند.

به دلیل گسترش جنگ، نظم حاکم بر ارتش، بر نهادهای دیگری چون دین و دولت تأثیر گذاشت و این نهادها را وادار کرد در راستای اهداف نظامی فعالیت کنند. بدین ترتیب جنگ

تمامی امکانات مادی و معنوی جامعه را به خدمت خود درآورد و مادی‌ها را برای مقابله با دشمنان خارجی متحدتر کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد مادی‌ها نخستین قوم آریایی بودند که از نظر رقابت با اقوام همسایه خود مجبور شدند محدوده سرزمینی‌شان را تعریف کنند. قلمرو جغرافیایی را باید نخستین شرط استقلال دانست. این چارچوب به گروه‌های انسانی که در آن زندگی می‌کنند، امکان می‌داد تا با تعریف محدوده نفوذ خود از همسایگان‌شان متمایز شده، به تقویت همبستگی و افزایش توانایی خود اقدام کنند. آنچه در تاریخ به نام دولت ماد نامیده می‌شود، در ابتدا مجموعه‌ای از تعدادی قبایل آریایی و غیرآریایی بود که در اطراف دریاچه ارومیه به صورت پراکنده ساکن بودند. در نهایت موفق شدند از طریق اتحاد با یکدیگر بنیان‌گذار شاهنشاهی وسیعی شوند که از کویر مرکزی ایران آغاز می‌شد و تا آسیای صغیر ادامه داشت. اگرچه از نظر وسعت وضعیت ثابتی نداشت، ولی در ابتدای تشکیل دولت ماد، برای نخستین بار شاهدیم که مردم، گروه‌ها و قبایل در اطراف رهبری فرهمند گرد آمدند و او را به عنوان فرمانده فرماندهان برگزیده شد.

در پی آن شهری به نام هگمتانه به مرکزیت انتخاب می‌شود. در سامان‌دهی این شهر از الگوی شهرسازی آشوری تقلید می‌شود و شهر به سه منطقه تقسیم می‌شود. در این سامان‌دهی جدید که دیگر بر مناسبات قبیله‌ای استوار نبود، جایگاه افراد براساس موقعیت «نظامی»، موقعیت اجتماعی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود، دقیقاً مشخص می‌شود. به نظر برخی پژوهش‌گران، آنچه هرودت درباره سلطنت مستقل دیوکس و ایجاد پایتختی در اکباتانا با قلعه‌های تو در تو هفتگانه در زمان او آورده، محل تردید است؛ زیرا بی‌شک فرمان‌روایان آشور، بنای چنین ارگ رفیعی را به سادگی برنمی‌تافته‌اند. دی‌آکو در زمان خود نتوانست در مقابل آشور مقاومت کند، شکست خورد و فرمان‌روایی دی‌آکوی مادی تنها یک حکومت محلی بود و سلطنت مستقل ماد سال‌ها بعد شکل گرفت.

پس از دی‌آکو، پسرش فرورتیش به قدرت رسید. از زمان فرمان‌روایی او اطلاعات چندانی دردست نیست، اما فرورتیش نیز در ادامه سیاست‌های سلف خود برای مقابله با آشور، بارویی بر اطراف هگمتانه برافراشت. منابع آشوری از شکست او در مقابل دولت آشور خبر می‌دهند

تکون و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

که به قیمت جان او تمام شد. این شکست زمینه تحکیم اتحاد بین قبایل مادی و سایر همسایگان آنان در برابر دشمنان خارجی‌شان را موجب شد.

در آغازین روزهای پیدایش حکومت ماد، تشکیلاتی علیه دشمنان خارجی ماد شکل گرفت. از منابع آشوری اطلاعاتی در خصوص اسامی قبایل یا افراد مادی به دست نمی‌آید. این منابع فقط از مادی‌ها چون واحدی کامل و مستقل یاد می‌کنند، حال آن‌که خاک آن‌ها به نواحی کوچک و مستقلى که در همان منابع آمده، تقسیم می‌شده است. صفت «نیرومند» که از سوی کتیبه‌های شاهانی چون تیگلات پیلسر سوم برای نام بردن مادها از آن استفاده شده، بر خطر احتمالی مادها برای آشور خبر می‌دهد. اگرچه آشوریان بخش اعظمی از سرزمین مادها را جزء قلمرو خود کرده بودند، اما این امر به معنای تسلط بی‌قید و شرط بر مادها نبود.

6. تشکیل اتحادیه‌های قبیله‌ای

مادها پس از غلبه بر ساکنان بومی فلات ایران، با آنان رابطه مستحکمی برقرار کردند. این اتحاد قبایلی سبب تقویت نیروی آنان در برابر هجوم بیگانگان شد. مردمان مادی علاقه‌مند به حفظ آزادی و استقلال خود بوده، فقط تمایل داشتند به رؤسای مادی خود خراج دهند (فرای، 1380:129). تشکیلات سیاسی مادها، پیش از تأسیس دولت بزرگ ماد، ملوک‌الطوایفی بوده و هر کدام از طوایف مادی زندگی سیاسی و معیشتی خاص خود را داشتند. مردم ماد در قبیله‌های معدود خود جداگانه می‌زیستند. آنان بیشتر با دام‌داری، تربیت اسب و کشاورزی گذران معاش می‌کردند.

مجموع طوایف شش‌گانه ماد، که هرودوت مورخ یونانی از آنان نام برده، عبارت از بوزائی¹⁵، پارتاکینین‌ها¹⁶، استروخات‌ها¹⁷، آریزانت‌ها¹⁸، بودین‌ها¹⁹ و ماگین‌ها²⁰ (هرودوت، کتاب اول: بند 101) هستند. برخلاف هرودوت، منابع آشوری نام این قبایل مادی را یاد نکرده‌اند؛ اما به دو گروه از آنان اشاره کردند: گروهی از آنان در بخش میانی و شمالی زاگروس و در حوزه نفوذ آشوریان بودند، و گروهی که مادهای دوردست خوانده می‌شدند بیرون از حیطه نفوذ آشوریان بوده و ظاهراً در منطقه همدان و حدود تهران کنونی می‌زیسته‌اند (Helm, 1981:88) تشکیل اتحادیه ماد، برای مقابله با دولت آشور اهمیت بسیاری داشت و شاید ضرورت تاریخی مهمی

در این میان شکل گرفته بود که مادها را برای ساختن قدرتی فرامرزی، و به تعبیری جهانگشا، به چالش عظیمی می‌کشید. قبایل شش‌گانه ماد، به دلیل هجوم‌های گسترده آشوریان برای مدتی تابعیت آشور را پذیرا شدند.

به دنبال حمله‌ها و فشارهای پیاپی آشوریان بود که قبایل گوناگون مادی و احتمالاً اقوام محلی دیگر برای دفاع از خود و به رهبری دی‌اکو متحد شدند و پایه‌های حکومتی متشکل از طوایف گوناگون را که رهبران قبایل در آن نقش اصلی داشتند، پی‌ریزی کردند. بدین‌نحو بود که به تدریج پایه‌های قدرت خاندانی شکل گرفت. در کتیبه‌های آشوری از تعداد زیادی «ویس‌پتی» یا خداوندان ده یاد شده که به‌نظر می‌رسد کسانی بودند که صاحب مقام و جانشین سرخاندان در دوران جماعت بدوی شدند. زمانی که جامعه طبقاتی رفته‌رفته قوام می‌یافت؛ این اشخاص صاحب مقام و املاک و به تدریج به طبقه اشراف و حکومت‌گر تبدیل شدند (دیاکونوف، 1377:175). این امتیازات و جایگاه سیاسی و معنوی آنان ریشه در فرهنگ قبایلی داشت و به آن‌ها فرصت داد به تدریج نقش‌های عمده‌ای در تحولات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به ویژه در فراز و فرود سلسله‌های ایرانی در دوره باستان داشته باشند. پس از مدتی دی‌اکو، رهبری اتحادیه قبایل شش‌گانه را برعهده گرفت. بنابر ادعای هرودوت در این زمان‌ها تقسیم‌بندی بین مادها از روی پیوندهای قبیله‌ای بوده است (هرودوت، کتاب اول، بندهای 106-96). با وجود تشکیل اتحادیه‌هایی از مادها و شماری از قبایل محلی به رهبری دی‌اکو، هنوز نیروی نظامی مستقلی تشکیل نشده و سپاه مادی مجموعه‌ای از قبایل و خاندان‌ها بود که در صورت ضرورت و به رهبری سران قبایل خود شاه را در جنگ‌ها یاری می‌دادند (دیاکونوف، 1377:182، 212).

پس از فرورتیش، هووخشتره (کیاکسار) که مدیری قابل و سرداری فاتح بود به پادشاهی رسید. در این زمان با وجود تشکیل اتحادیه‌هایی از مادها و شماری از قبایل محلی به رهبری دی‌اکو، هنوز نیروی نظامی مستقلی تشکیل نشده و سپاه مادی مجموعه‌ای از قبایل و خاندان‌ها بود که در صورت ضرورت و به رهبری سران قبایل خود، شاه را در جنگ‌ها یاری می‌دادند. این روند تا پیش از هووخشتره ادامه داشت و قدرت پادشاه همچنان متکی بر سران قبایل و خاندان‌های مادی بود که روز به روز بر دامنه نفوذ آن‌ها افزوده می‌شد. ظاهراً توسعه تختگاه ماد از دیگر اقدامات عمده هووخشتره بود. او باید آن را برای مقابله با نینوا پایتخت آشور،

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

آماده کند. او توانست سرکردگان پارسی و دیگر قبایل بومی را وادار کند که بر ضد آشور با یکدیگر متحد شوند (زرین کوب، 1371:94). به ادعای هرودوت، هووخشتره نخستین کسی بود که تقسیمات لشکری را در یک قشون آسیایی اساس نهاد و سربازان را، پیش از آن انضباط نظامی نداشتند، به دسته‌های نیزه‌دار، کمان‌دار و سواره نظام تقسیم کرد (هرودوت، کتاب اول، بند 102) و کوشید تا از دامنه نفوذ سران قبایل در امور نظامی و به احتمال کشوری بکاهد. با توجه به وضعیت سیاسی منطقه و حضور قدرتمند آشور در پشت مرزهای سرزمین ماد و ضرورت حمایت سران قبایل مادی برای رویارویی با حمله آشوریان، نمی‌توان به اصل خبر اعتماد کرد. در صورت صحت آن، بازهم نمی‌توان نقش سران این قبایل و خاندان‌ها را در جنگ مادها علیه آشور و سرانجام پیروزی آنان بر آشوریان در سال 612 پیش از میلاد، که با همکاری بابل انجام شد، انکار کرد (Kuhrt, 2007:30-44). با توجه به قراین و شواهد چنین به نظر می‌رسد که حکومت مادها تا پایان فرمان‌روایی آنان همچنان متکی بر سران همین قبایل و خاندان‌های بزرگ باقی ماند و آن‌ها برخلاف آنچه تصور می‌شد، موفق به تشکیل یک حکومت متمرکز یا امپراطوری بزرگ نشدند.

از مهم‌ترین عواملی که زمینه‌های لازم برای وحدت مادها و ایجاد دولت را فراهم آورد، واکنش رهبران قبایل به رفتارهای خصمانه و سلطه طلبانه همسایگان اتحادیه است. هنگامی که قبایل متعدد مادی خود را با هجوم‌های پیاپی آشور مواجه دیدند، به ناچار به یکدیگر نزدیک شده و با اتحاد با ممالک کوچک‌تری که از اطاعت دولت نینوا سرپیچی کرده بودند، تلاش کردند تبدیل به قدرتی شوند که بتواند در مقابل آشور و دیگر مهاجمان مقاومت کند.

با تشکیل اتحادیه ماد، در بعد نظامی دو تحول اساسی روی داد: یکی، ساختن دژ استوار و مستحکم هگمتانه در شهری که مرکز فرمان‌روایی مادها بود و دیگری، ایجاد اتحادیه‌ای سیاسی - نظامی تحت رهبری یک فرمان‌روای واحد برای مقابله با تهاجم دشمن که توسط قبایل مادی پدید آمده بود. با تشکیل چنین اتحادیه‌ای، بر شدت حملات آشوریان افزوده شد. بدین ترتیب بود که برای نخستین بار جنگ‌های قبایلی بر سر چراگاه و قلمرو طوایف، جای خود را به تمکین در برابر یک فرمان‌روا و اتحاد به نسبت استوار در برابر دشمنان خارجی داد. این همان اصلی بود که در ایجاد توانمندی در چارچوب یک ساختار سیاسی و نظامی بسیار ضرورت داشت.

7. تغییر ساختار سیاسی دفاعی قبایل به ساختار فرامرزی تهاجمی

براساس کتیبه‌های آشوری تقریباً تا پیش از تشکیل پادشاهی مادها و نیز در زمان برقراری پادشاهی آنان، برای حدود نیم قرن، سیاست نظامی در ایران‌زمین حالت دفاعی داشته است. بیشتر تلاش مردم این مرز و بوم صرف دفاع در برابر تجاوزات کشورهای همسایه مانند آشور و اواراتو می‌شد. اساس ایجاد اتحادیه مادها، توسط دیاکو نیز جنبه دفاعی داشت و این امر تا زمان حکومت هووخشتره ادامه پیدا کرد. در همین زمان ارتش ماد به‌صورت ارتشی منظم و تعلیم‌دیده درآمد و سیاست دفاعی به سیاست تهاجمی تغییر پیدا کرد. مادها با اجرای سیاستی قابل توجه به‌جای دفاع از قلمرو خود به هجوم به بیرون مرزهای ماد پرداختند. آنان برای جلوگیری از تجزیه و جنگ داخلی با صدور بحران‌های داخلی خود به عرصه جنگ با دشمن، در پی تسلط بر مسائل اساسی حیات سیاسی و نظامی خود برآمدند. در اندک مدتی آن‌ها توانستند نواحی زیادی را فتح کنند. برای برقراری امنیت مرزهای امپراطوری جدید و باز نگه داشتن راه‌های تجاری و خرید و فروش اسب تمهیدات زیادی چیدند.

چنین تغییر سیاسی مهمی اهداف خارجی دولت را تأمین می‌کرد و همچنین توسعه سرزمین، تشکیلات اداری، تجملات و تحولات اجتماعی جامعه ماد را موجب شد (توینبی، 1373:64) و افزایش توان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظامیان را در پی داشت. دولت ماد در بدو امر تلاش کرد تا دیگر قبایل ایرانی را مطیع خود ساخته و سپس به ادامه فتوحاتش بپردازد (جمشیدی، 1380:134).

فرورتیش پس از آن‌که در سال 670 پارسی‌ها را مطیع کرد، کوشید تا میان مادها با اتحادیه مانای و قبایل کیمری، که در اواخر سده 8 ق.م. از قفقاز به داخل فلات ایران آمده بودند، ائتلافی بر ضد آشور ایجاد کند. سرانجام هنگامی که فرورتیش و متحدانش به حدود نینوا، پایتخت آشور رسیدند، سکاهای از پشت سر بر مادها تاختند. در جریان هجوم سکاهای که ظاهراً به درخواست آشور انجام پذیرفته بود، فرورتیش کشته شد (653 ق.م.) و سکاهای مدت 28 سال بر سرزمین ماد مسلط شدند. زمانی که هووخشتره جانشین پدر شد، به ناچار با سکاهای صلح کرد، اما سرانجام پادشاه سکاهای و سرکردگانش را کشت و به این‌گونه پایان بخشید (625 ق.م.). باقی سکاهای را نیز در سپاه خویش به خدمت گرفت (هرودوت، کتاب اول: بند 106).

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

هووخشتره پس از مدتی به این نتیجه رسید که دفاع در برابر آشوریان بسیار پر هزینه و دشوارتر از حمله است. او ابتدا، ارتشی منظم و تعلیم‌دیده و همیشگی تشکیل داد و سپس به فکر ادامه فتوحات افتاد. پس از آن‌که تمام طوایف ماد، پارس و مائای فرمان‌روایی او را گردن نهادند، از درگیری‌های داخلی و خارجی آشوریان بهره برد و خود را آماده حمله به این امپراطوری کهن کرد. هووخشتره و متحدش نبوپولسر که حاکم بابل بود به دنبال چند حمله ناموفق سرانجام نینوا را متصرف شدند و این شهر را به تاوان حملات گسترده خونین آشوریان غارت و ویران کردند (612 ق.م.). چندی بعد، آخرین مقاومت‌های آشور درهم شکسته شد (610 یا 609 ق.م.) و این امپراطوری به کلی از میان رفت. آن‌گاه قلمرو آشور، میان پادشاهان ماد و بابل تقسیم شد و حکومت ماد به‌عنوان یک قدرت تازه قدم به صحنه تاریخ نهاد (هرودوت، کتاب اول: بند 106).

پس از آن، هووخشتره به بسط قلمرو خویش پرداخت و در آسیای صغیر با دولت لیدیا روبه‌رو شد. نبرد این دو دولت نوحاسته که بیش از 5 سال به طول انجامید، سرانجام به سبب وقوع یک کسوف کلی (28 می 585 ق.م.) که آن را به فال بد گرفتند، خاتمه یافت و رود هالیس (قزل ایرماق کنونی) مرز دو کشور شناخته شد. هم‌زمان با مذاکرات صلح، هووخشتره درگذشت و پسرش ایشتوویگو (آستیگ) بر جای او نشست (585 ق.م.). از سلطنت 35 ساله ایشتوویگو آگاهی‌های اندکی در دست است. او در اواخر سلطنت خویش، به فکر حمله به بابل و تسخیر حران افتاد، ولی پیش از آن خبر شورش طوایف پارسی به رهبری کورش هخامنشی، پادشاه انشان رسید و ایشتوویگو به ناچار به پایتخت خویش بازگشت. پیکار میان دو رقیب 3 سال طول کشید. سرانجام در سال 550 یا 549 ق.م. لشکریان آستیگ بر او شوریدند و پادشاه ماد را تسلیم کورش کردند (هرودوت، کتاب اول: بند 130-127). اندکی بعد، پایتخت مادها به دست کورش افتاد و بدین ترتیب، عصر نخستین دولت مستقل ایرانی پایان یافت.

8. ارتقاء جایگاه نظامیان در جامعه ماد

اتحاد و ائتلاف قبایل مادی بیشتر مبنای نظامی داشت و آنان برای حفظ بقای خویش با یکدیگر اتحاد نظامی بستند. به دلیل استراتژی دفاعی، مادها همواره آماده دفاع از خویشان

بودند، اما به تدریج نظامیان در طبقه دوم جامعه ماد قرار گرفته و از مقام والایی برخوردار شدند. جایگاه و نفوذ و قدرت نظامی از دیدگاه زرتشت در اندیشه حاکمیت تا جایی بود که به همراه آیین و دین و فره ایزدی، سه نهاد اساسی جامعه بشری آریایی را تشکیل می‌داده‌اند. در گات‌ها از سه طبقه نخبه و برجسته اجتماعی جامعه آریایی یاد شده که عبارت از دانایان، برزگران، و رزمیان است. این سه طبقه برجسته، مخاطب زرتشت بوده و بنابر خلق و خوی دیرینه آریایی که همواره رعایا در پذیرش حق و باطل، نظاره‌گر بزرگان جامعه خویش‌اند، زرتشت آرزو داشته که از این طبقات کسانی به نهضت او بگرایند تا راه پیوستن رعایا باز شود (پورداد، 1378: 105-108، 417). زرتشت می‌کوشید تا بینش فکری و نگرش اجتماعی اشرافی روحانیون و دیگر طبقات را تغییر دهد. کلمه ارتیشتر که در اوستا به صورت «رثه اشتر»²¹ آمده، مرکب از دو واژه «رثه»²² به معنی گردونه و عرابه، و «اشتر»²³ به معنای ایستاده است که این واژه به معنای «بر گردونه ایستاده» به کار رفته است. دلیل این که این اصطلاح برای طبقه جنگاوران به کار رفته آن است که مردان جنگاور قدیم بر گردونه یا عرابه‌ای جنگی سوار شده و به رزم می‌پرداخته‌اند (مشکور، 1347: 32). آتشکده آذر گشنسب در شیز آذربایجان متعلق به شاهان و نظامیان بود، که شاهان مختلف پس از هر جنگی، پیاده یا سواره به زیارت این آتشکده شتافته و نذورات یا اشیاء گران‌بها به آن تقدیم می‌داشتند (فتخارزاده، 1377: 221) این آتشکده تا پایان حکومت ساسانیان برای شاهان و نظامیان تقدس بالایی داشت.

شاید بتوان گفت که مادها به وجود آورنده نخستین ارتش در ایران بوده‌اند. ایجاد ارتش منظم را باید آخرین گام در تشکیل دولت ماد دانست که به وسیله آن توانستند در برابر ارتش آشور مقاومت کرده، از سرزمین و دولت خود محافظت کنند. مهم‌تر این که نظم جنگی فرصتی ایجاد کرد تا براساس آن دیگر رفتارهای جامعه نیز منظم شود. انحصاری شدن ابزارهای جنگی در دست دولت به عنوان مهم‌ترین ابزار سلطه در آن روزگار، زمینه تداوم قدرت را برای گروه حاکم نیز فراهم آورد.

آشوریان بهترین دولتی بودند که از ارابه‌های جنگی استفاده می‌کردند. هووخشره بر آن شد تا سپاهی از روی نمونه سپاه آشوریان تشکیل دهد. حاصل کار او ایجاد سپاهیان منظم و پیروزی بر سرداران آشوری بود. نظامیان از این پس به اوج اقتدار و شکوفایی خود رسیده و طبقه رفیعی برای خود در جامعه تشکیل دادند. در جامعه ماد، مخارج جنگاوران از طریق

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... _____ کورش صالحی

پرداخت مالیات کشاورزان و سایر اقشار جامعه تأمین می‌شد. در سپاه ماد، نظامیانی که به سن پنجاه سالگی می‌رسیدند، وارد طبقه قدما می‌شدند. قدما به جنگ نمی‌رفتند و در شهرهای خود می‌ماندند و به داوری در اختلافات عمومی می‌پرداختند. آنان فرمان مرگ مجرمان را اجرا می‌کردند و یا حتی کارمندان را نیز برمی‌گزیدند.

نگهبانان ویژه شاهنشاه در زمان مادها عبارت از نیزه‌داران و سواران نیزه‌دار بود. این نگهبانان، هزار سپاهی برگزیده بودند که در رأس آنان «هزار پتی» (به یونانی خیلپارخوس) بود، که بعدها این مقام تبدیل به بالاترین مقام کشوری شده و خدمت در این گروه که وظیفه آن نگهبانی از شخص شاهنشاه، بزرگ‌ترین افتخار بود (کناوت، 125:2535). نقش نظامیان در جامعه آریایی تا آن جایی است که داریوش با تمام احساسات آمیخته به غرور، از سربازان ایرانی یاد می‌کند و فتوحات خویش را به کمک و تلاش نظامیان می‌داند. شاهان هخامنشی برای استحکام ارتش ایران علاوه بر سربازان پارسی به تدریج از سربازان مادی نیز استفاده می‌کنند. سربازان مادی مورد عنایت و اعتماد شاهان هخامنشی قرار داشتند، به گونه‌ای که حتی گاهی یونانیان تفاوتی میان آنان نمی‌گذاشتند و آن‌ها را گاهی پارسی و گاهی مادی می‌نامیدند.

9. توسعه ادوات نظامی در دوره ماد

آثار مکتوب از دوره مادها بسیار اندک است و آن دسته اطلاعاتی که درباره مادها در دسترس است، عموماً از آثار برجای مانده از همسایگان آنان است. همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، مادی‌ها مردمان جنگجویی بودند. این مساله به درستی از تاریخ گذشته آنان مشخص بوده و اشارات جالبی در رابطه با خصیصه جنگ‌جویی آنان در پیشگویی‌های اشعای نبی دیده می‌شود. خداوند تهدید به نابودی بابل (آشور) به وسیله مادها کرده و به نبی خویش چنین وعده می‌دهد:

«هر که یافت شود با نیزه زده خواهد شد و هر که گرفته شود با شمشیر خواهد افتاد. اطفال ایشان نیز در نظر ایشان به زمین انداخته شوند و خانه‌های ایشان غارت شود و زنان ایشان بی‌عصمت گردند. اینک من مادی‌ها را بر ایشان برخوام انگيخت که نقره را به حساب نمی‌آورند و طلا را دوست نمی‌دارند. و کمان‌های ایشان جوانان را خرد خواهد کرد. و بر ثمره

رحم ترحم نخواهند نمود و چشمان ایشان بر اطفال شفقت نخواهد کرد و بابل که جلال ممالک و زینت....» (Isaiah 13:15-19).

مادی‌ها در هنگام نبرد تیرهای خود را با مایع قیرمانندی به نام نفت²⁴ اندود می‌کرده‌اند. همان مایعی که از عهد قدیم در ماد، پارس و آشور به فراوانی یافت می‌شد. تیر در آن مایع نفتی فرو برده می‌شد و سپس آتش زده و با کمان به سمت دشمن پرتاب می‌شد. این تیرها بدن دشمن را چنان می‌سوزاند که آب قادر به خاموش کردن آن نبوده و صرفاً به وسیله خاک خاموش می‌گردید. کمان که سلاح اصلی مادی‌ها را تشکیل می‌داد فقط از نظر اندازه و استحکام با کمان‌های اتیوپیایی²⁵ برابری می‌کرد. این کمان‌ها به صورت چماق نیز عمل می‌کردند. اندازه طول آن‌ها پنج پا و شش اینچ برآورد شده است (Rollin, 1844:146).

ملت‌های جنگ‌جو در ساختن جنگ‌افزار می‌کوشیدند. شادی از به همراه داشتن جنگ‌افزار در ایران باستان بالاترین لذت و خوشی بود. گاه مسابقه‌ای در محوطه بزرگی صورت می‌گرفت. در این زمان به فرمان شاهنشاه صنج و زنگ به صدا در آمده، آن‌گاه گردان که همان پهلوانان هستند، همه شادمان با نیزه و گرز و تیر و کمان می‌شتافتند (کنات، 128:2535). در برخی از قبور آریایی‌ها، بسیاری اشیاء سیمین و زرین یافت شده که شامل انواع زینت‌آلات پربهاء بوده و همچنین جنگ‌افزارهای گوناگونی نیز در آن گورها وجود داشته که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ادوات جنگی در زندگی آریایی‌ها بوده است. آنان برای سلاح‌های خود ارج و تقدس خاصی قائل بودند (رضی، 196:1382).

در زمان‌های پیش از دوره ماد، اسلحه تعرضی ماده‌ها، نیزه‌های بلند بود که تا زمان هووخستره در ارتش ماد باقی بود و اسلحه دفاعی آن‌ها سپرهای مربع مستطیل بوده است. بعدها تیر و کمان جای نیزه دراز را گرفت. در دوره دوم تاریخ، نوعی نیزه دراز و شمشیر نیز افزوده شد. شمشیر آن‌ها کوتاه و گویا قدری بزرگ‌تر از خنجر بود (بیژن: 126). براساس تصاویر برجسته تخت جمشید، کمان ماده‌ها بسیار خمیده و کوتاه بوده و به سبک آشوری‌ها برای آن جلدی داشته‌اند که پشت سر می‌آویخته و یا به کمر می‌بسته و تیرها را در تیردان پشت بازوی راست می‌آویخته‌اند. محافظ دیگر آن‌ها یک جامه فلزی بوده که از ورقه‌های فلزی درست می‌شده و دیگری سپر مادی بود که مربع مستطیل به نسبت بزرگ بود. ظاهراً مادی‌ها آن را از آشوریان اقتباس کرده بودند. ماده‌ها نیز مانند سایر قبایل ایرانی شکار را تمرین

تکون و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

جنگ می‌دانستند. کاندوس روجامه‌ای پر بهاء بود که مادها در جنگ بر تن خویش می‌کردند و با آن وارد کارزار می‌شدند (کناوت، 2535:154). همسایگان مادها نیز همانند آنها وسایل خاص جنگ خود را داشتند، آشوری‌ها با کلاه خود برنزی که به شکل خاصی ساخته می‌شد و سپر و نیزه و خنجر شبیه تیغ مصریان و گرزهای چوبی که میخ‌های آهنی و نوار کتانی بر آن می‌کوبیدند به نبرد می‌پرداختند و جنگ‌جویان باکتریایی نیز کلاهی شبیه به کلاه مادی بر سر می‌گذاشتند و با تیر و کمان بومی و خنجر و تبرزین جنگی مجهز بودند. اومستد با توجه به پیکرهای تراشیده تخت جمشید، درباره پوشش مادها می‌گوید که آنها بر سرشان کلاه گرد نمدی مایل به جلو با دنباله آویزون روی گردن داشته‌اند. نیزه از چوب سخت با نوک برجسته و ته فلزی سلاح اصلی تاخت بود، و بسیاری از جنگ‌جویان نیز کمانی در کماندان و ترکشی پر از تیر همراه داشته‌اند (سرافراز و فیروزمندی، 126:1373) مادها با تمام سلاح‌های مورد نیاز در روز جنگ به میدان نبرد می‌رفتند و همواره نظامیان سلاح‌های خود را همراه داشتند و در حفظ آنها نیز کوشا بودند.

مادها در الگوبذیری مدیریتی، از جمله نظامی‌گری تحت تأثیر آشور قرار گرفته، اقدام به تشکیل رسته‌های سواره نظام زره‌پوش و پیاده نظام کردند و به تدریج استفاده از تیر و کمان و خنجر و شمشیر کوتاه نیز در سپاه ماد رواج یافت. استفاده از ارابه‌های جنگی تقلیدی بسیار موفق از ارابه‌های آشوری بود که در زمان فرورتیش صورت گرفت. در زمینه تاکتیک نیز مادها به آموزش نیروهای بومی براساس شیوه‌های رزم آشوری پرداختند و کوشیدند با افزایش روحیه نیروهای مادی آنان را برای مبارزه آماده کنند. مادی‌ها پس از غلبه بر سکاها، سربازان سکایی را وادار کردند تا به سپاهیان آنان آموزش دهند به گونه‌ای که سپاه ماد بعدها توانست با استفاده از شیوه‌های رزم سکایی مانند تعقیب و گریز به پیروزی‌های چشمگیری دست یابد (هرودوت، کتاب اول: بند 106).

10. پیشرفت در ساخت دژ و ارگ حکومتی

قلعه‌سازی در ایران با تهاجم اقوام مهاجمی که دهکده ماقبل تاریخی سیلک را به تصرف درآورده بودند، آغاز شد. مهاجمان سوارانی جنگ‌جو بودند که به زودی آن‌جا را به یک شهر

قابل دفاع مستحکم با دیوارهایی ضخیم تبدیل کردند. برج‌هایی در اطراف دیواره‌ها به فاصله‌هایی معین ساخته بودند که امر دفاع و حمله را با اطمینان قابل دوامی تضمین می‌کرد. در این قلاع کاخ پادشاه در وسط و ساختمان فرعی وابسته به آن متعلق به امیرزادگان و اشراف بود که در هنگام جنگ جای مطمئنی برای سکنی بوده است (رضی، 1382:196).

از اسناد تاریخی آشوری چنین برمی‌آید که در سرزمین ماد به‌ویژه مناطقی که در معرض حمله دشمنان قرار داشت، محل‌های مسکونی مستحکم و دژگونه‌ای به نام «آلانی - دَننوتی»²⁶ و نقاط مسکونی کوچک دیگری در اطراف آن به نام «آلانی - سه‌روتی»²⁷ از طرف مردم ساخته می‌شده (سرافراز و فیروزمندی، 1373:34) و ساکنان محل‌های فوق می‌توانستند هنگام ضرورت یا حمله دشمنان به درون آن‌ها پناه ببرند. این‌گونه دژها معمولاً ساختمان‌های مستحکم و عظیمی بودند که بر ارتفاعات صخره‌های طبیعی و گاهی نیز بر خاک‌ریزها و تپه‌های مصنوعی ایجاد می‌شده و بر اطراف آن‌ها حداقل یک دیوار مانند دژهای «هارهار» از روی نقش برجسته «دور - شاروگین» واقع در نینوا، و یا گاهی چند حصار هم‌مرکز مانند دژهای «کی شِسو» که از روی نقش برجسته‌های آشوری بنا می‌شد.

مادها با توجه به موقعیت طبیعی محل سکونت‌شان، بیشتر مواقع دژها را به گونه‌ایی می‌ساختند که در مسیر خندق، یا رودخانه و یا در کنار دریاچه باشد، تا بدین وسیله بتوانند در مقابل حمله دشمنانی مانند آشور، دفاع از دژها را کامل‌تر کنند. داخل دژها محل استقرار جنگاوران، روحانیون و پیشه‌وران و بیرون دژ و اطراف آن محل استقرار کشاورزان، دام‌داران و مردمان عادی بود. ارگی که در وسط دژ و در بلندترین نقطه آن با دیوارهای محصور و برج و باروهای مستحکمی ساخته می‌شده، محل زندگی پادشاهان و حاکمان قوم محسوب می‌شد (همان: 35).

دیاکو پس از آن‌که به حکومت ماد رسید و اتحادیه قبایل ماد شکل گرفت از سوی دولت قدرتمند آشور مورد تهاجمات شدید قرار گرفت و فرمان ساختن دژهای زیادی برای مقابله با حملات آشوریان و آمادگی بیشتر در برابر تهاجمات را صادر کرد. علاوه بر این دستور تعمیر و بازسازی برخی از دژها را صادر کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به دژ هگمتانه اشاره کرد. دژ هگمتانه که بعدها به‌عنوان پایتخت دولت ماد انتخاب شد، دژی بزرگ بود که از هفت دیوار تو در تو تشکیل شده و هر دیوار درونی بر دیوار بیرونی خود مشرف بود. هر چند

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

شباهت‌هایی میان این دژ و دژ بابل وجود داشت، ولی با این سبک که در ساخت آن جنبه امنیتی و حفاظتی را به درستی رعایت کرده بودند، تبدیل به دژی شکست‌ناپذیر شده بود (جمشیدی، 1380:133). بیشترین اطلاعات ما از معماری قلعه‌های دوره ماد در حقیقت از اسناد تاریخی «آشور» و نقاشی‌های آنان در کاخ‌های آشوری است. براساس این اسناد دژهای مادی ساختمان‌های مستحکم و عظیمی بودند که بر ارتفاعات و صخره‌های طبیعی و گاهی بر خاک‌ریزها و تپه‌های مصنوعی ایجاد شده و در اطراف آن‌ها حداقل یک دیوار یا چند دیوار (حصار) بنا می‌شده است. اغلب دیوارهای داخلی و خارجی قلعه‌های مادی از خشت خام و گاهی نیز دیوارهای اصلی از سنگ ساخته می‌شدند. مادها در ساختن قلعه و نیز انتخاب موقعیت جغرافیایی برای ساخت و ساز از معماری دژهای «اورارتویی» تأثیر گرفته‌اند.

11. رویارویی نظامیان با شاه

سران قبایل و خاندان‌های بزرگ مادی نقش عمده‌ای در شکست دولت آشور به وسیله مادها ایفا کردند و در نتیجه در پی این پیروزی غنایم بسیار به‌دست آوردند. مالکیت بر بخش عمده‌ای از زمین‌های کشاورزی و کسب ثروت‌های انبوه دیگر بر دامنه نفوذ و قدرت سیاسی آن‌ها می‌افزود. در دوره حاکمیت هئوخشتره نوعی توازن قوا و تعامل در دولت ماد به سبب جایگاه سیاسی او برقرار بود. روحیه نظامی‌گری در جامعه ماد پس از دوره هئوخشتره تغییراتی کرد. به نظر می‌رسد که رفتار آستیاگ، جانشین او، که فردی مستبد و بی‌اعتنا نسبت به خاندان‌ها بود، به ناخشنودی این خاندان‌ها و به سردی روابط آن‌ها با شاه انجامید (دیاکونوف، 1387:234). به مرور زمان بر شدت این اختلافات افزوده شد. چنین سیاست‌هایی و همچنین ناتوانی شاه در رویارویی با قدرت خاندان‌های بزرگ سبب ایجاد اختلاف و شکاف بیشتر بین شاه و سران این خاندان‌ها شد (فرای، 1388:150). هارپاگ که یکی از قدرتمندترین و بانفوذترین سرداران سیاسی-نظامی دولت ماد و مشاور و سپهسالار آستیاگ بود به پارس‌ها پیوست و شاه مادها را در روز نبرد تنها گذاشت و همراه با دیگر نظامیان خود به کورش پیوست²⁸ (هرودوت، کتاب اول: بندهای 127، 107). جدا شدن یکی از افراد خاندان‌های بزرگ

و پیوستن او به کوروش بزرگ حاکی از یک واقعیت انکارناپذیر دارد و آن آشکارشدن قدرت خاندان‌های بزرگ و نقش آن‌ها در تحولات سیاسی ایران است.

نظامیان مادی که در ابتدای حکومت ماد همواره در فکر نبرد بودند، در زمان آستیاگ بی‌تحرک و سیاست‌زده شده بودند. خاصه این‌که در زمان سلطنت آستیاگ که سراسر به صلح و آرامش گذشت، قشون نظامی ماد، راحت‌طلب و تجملاتی شده و به تدریج روبه ضعف و سستی نهادند. نظامیان دیگر به سلطنت مادها وفادار نبودند و در سیاست حکومت دخالت می‌کردند، این دخالت در امور سیاسی هنگام حمله کورش هخامنشی به ماد به روشنی قابل مشاهده است. این وضع برای حکومت ماد خطرناک بود؛ زیرا نظامیان در بازی‌های سیاسی به آن‌چه که می‌خواستند، نمی‌رسیدند. نبرد و به‌دست آوردن غنیمت برای امرار معاش مهم‌ترین هدف نظامیان بود. این یکی از دلایلی پیوستن برخی از سپاهیان مادی به کورش بود که سودای جهان‌گشایی داشت و می‌توانست نیازهای نظامیان را فراهم کند. هارپاک تا هنگامی که زنده بود همراه با نظامیان مادی خود در خدمت کورش شمشیر می‌زد و جایگاه بالایی برای خود به‌دست آورده بود.

12. نتیجه

پیشینه تشکیل دولت و حکومت در فلات ایران به ادوار بسیار کهن باز می‌گردد. دولت ماد که از اتحاد اقوام آریایی شکل گرفت، از نخستین حکومت‌های آریایی بود که در فلات ایران به وجود آمد و از همین‌رو مراحل خاص تکوین و تحول سیاسی - نظامی را پیش از حکومت‌هایی مانند هخامنشیان سپری کرد. مادها زمان طولانی را تابع دولت آشور بودند. پادشاهان آشور مکرر به نواحی مختلفی از سرزمین آنان لشکرکشی کرده و ساکنان این سرزمین‌ها به لحاظ استراتژی نظامی چاره‌ای جز مدافعه، فرار و یا حالت انزوا شرایط مناسب دیگری نداشته و هر لحظه جان و مایملک و تمامی دار و ندارشان در معرض تهدید آشوریان قرار داشت. چنین مساله‌ای به شدت نیاز به ایجاد ثبات در جامعه مادی آن زمان را ایجاب می‌کرد. بدین ترتیب نخستین مرحله از مراحل تکوین نظامی در آن جامعه با فشار نیروها و دشمنان خارجی به سمت و سوی خاصی سوق داده شد و قالب خاصی را برای این تحول

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

ایجاد کرد. بی‌تردید جنگ نقش اساسی را در شکل‌بندی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در این دوره از تاریخ ایران ایفا کرده است. شاید به این دلیل بتوان بیان داشت که جنگ از جمله پایدارترین عناصر تاریخ تمدن است که پادشاهی مادی بخش زیادی از دستاوردهای خود را در حوزه‌های سیاسی و نظامی مدیون آن است. ایجاد ارتش منظم و دائمی در زمان هخامنشیان صورت گرفت. او با تکیه بر نبوغ نظامی خاص خود توانست پایه‌های حکومت ماد را مستحکم کرده، بر امور مختلف حکومت مشرف شده و بر اوضاع داخلی و خارجی مداخله بپردازد. مادها سازندگان نخستین حکومت در ایران بودند و همچنین با اتکا بر امور نظامی، بنیان‌های حکومت را تقویت و دامنه آن را گسترانیدند. تبدیل حکومت محلی به یک سازه فراگیر کشوری - لشکری نشان از تحولی عمیق در دنیای کهن ملوک‌الطوایفی با سازه‌های دولت شهری منطقه‌ای به‌عنوان ارگان مرکزی آن دارد.

به تدریج نظامیان در جامعه ماد از جایگاه والای برخوردار شدند. نظامیان در میان طبقات چهارگانه مادی، در جایگاه دوم بودند که حفظ، حیات و دوام حکومت مادها بستگی به وجود آنان داشت. بیشتر حکام ولایات از میان آنان برگزیده می‌شدند. پس از شخص شاه آنان بر مردم فرمان‌روایی می‌کردند. آنان همواره خود را از طریق شکار برای جنگ آماده نگاه می‌داشتند. رفتارهای خصمانه آستیاگ و متوقف‌شدن فتوحات مادها که منجر به بی‌کار ماندن و تجملاتی‌شدن نظامیان مادی شد، سرانجام به اضمحلال حکومت آنان به دست کورش هخامنشی انجامید. این امر به معنای توقف تحول در امور نظامی مادها نبود؛ بلکه آنان تحت امر هخامنشیان نیز روند این تحولات نظامی خود را تداوم بخشیدند.

13. پی‌نوشت

1. البته ناگفته نماند که بین تعریف طبقه نظامیان و آن چیزی که بعدها در تاریخ از آن به‌عنوان تعریفی از شبه‌نظامیان یاد شده، تفاوت بسیاری در نگرش و نوع عملکرد آنان وجود دارد. نظامیان دارای محدوده قدرت مشخص هستند، اما شبه‌نظامیان با توسل به قدرت خود در هر جایی که صلاح بدانند دخالت می‌کنند. معمولاً حکومت‌هایی که در اثر ضرورت تاریخی به وجود آمده‌اند، نظامیانی مشخص و با کارکرد تعیین‌شده دارند که در تعریف اجتماعی از طبقه می‌گنجد. در حکومت‌هایی که ساخته و پرداخته نحل‌ها و فرق و حاصل دخالت نیروهای نامشخص تشکیل‌دهنده قدرت و دولت

به معنای علوم سیاسی هستند، شبه نظامیانی با کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خواهند داشت تا بتوانند در برابر رقبا و منابع مختلف موجود در جامعه، قدرت ایستادگی داشته و بتوانند به موقع اعمال قدرت نمایند. این نوع از تشکیلات جز تعریف این مقاله از طبقه نظامیان نیست.

2. یونانیان نیز که شاخه‌ای از ملل هندواروپایی هستند، چنین اندیشه‌هایی داشته‌اند. برای نمونه افلاطون در کتاب جمهور خود چنین نوشته «همشهریان شما با هم برادرید، اما خداوند شما را با اختلاف آفریده است. برخی از شما قدرت فرمانروایی دارید و خداوند در ترکیب این دسته از افراد طلا به کار برده است. عده‌ای را از نقره خلق کرده تا به صورت افراد کمکی (نظامیان) انجام وظیفه کنند. بالاخره دسته‌ای از افراد دیگر که کشاورزان و پیشه‌وران را تشکیل می‌دهند از برنز و آهن ساخته است (Plato, 2001, book 3, 415, p. 123)».

3. در فروردین یشت اوستا در بند 143 از سه پسر زردشت موسوم به «یست واستر» Isat Vastar، «وروت‌تره» Uruvat-Nara و «هورچیتره» Hvare Ciθra سخن به میان آمده است. اینان به ترتیب نخستین موبد، نخستین برزگر و نخستین رزمی بوده‌اند؛ بنابراین هر یک از طبقات سه‌گانه به یکی از آن‌ها تعلق داشته است (در رابطه با فرزندان زردشت نگاه شود به: دوستخواه، 1370/ج 1: 426)

4. Huiti

5. بنابر نوشته ابن بلخی: «جمشید مردم جهان را به چهار طبقه تقسیم و هر طبقه را به کاری موسوم کرد ... اصطخر را دارالملک پارس کرد و...» (ابن بلخی، 1374، صص. 101-103).

6. واژه‌های «ارتا» arta، «رته»، «رد»، «ردا»، «شه» از ریشه مشترکی برخوردارند و به معنای یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرند. معادل ودایی آن «رته» rtā است. واژه «رته» در ادبیات و فرهنگ یونان باستان هم دیده می‌شود. برای نمونه ارته در اودیسه هومر، به شخص شجاع اطلاق شده است، نباید این واژه با واژه «ارد» ard اشتباه گرفته شود. واژه اخیر از «شی» āši یا «رتی» arti- اوستایی مشتق شده و از جنس دیگری است (در رابطه با اشه یا ارتا نگاه شود به: دوستخواه، 1370/ج 2: 919).

7. قبایل آریایی در درون خود دارای سلسله مراتب اجتماعی بودند که ریشه اوستایی داشت و از بطن سازمان جماعت ابتدایی سرچشمه می‌گرفت و با عناوینی چون نمان، ویس، زنتو و دهیو شناخته می‌شدند. در بند هجدهم مهریشت اوستا چنین می‌خوانیم: «گر خانه خدا یا دهخدا یا شهریان مهردروج باشد، ... خانه و ده و شهر و کشور و بزرگان خانواده و سران روستا و سروران شهر و شهریاران کشور را تبه کند» (دوستخواه، 1370/ج 1: 350).

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

8. برخی محققان و صاحب‌نظران، جنگ را جزو طبیعت آدمی دانسته و گروهی دیگر بر عکس، جنگ و ستیزه را جزو طبع آدمی ندانسته و معتقدند بروز این پدیده، دلیل اجتماعی دارد و زندگی اجتماعی است که انسان‌ها را وادار به جنگ می‌کند. ابن‌خلدون از جمله کسانی است که جنگ را جزو طبیعت آدمی دانسته و آن را ناشی از حس کینه‌توزی، انتقام‌گیری، عصبیت و خودخواهی انسان‌ها دانسته است (ابن‌خلدون، 518، 1351) در عین حال، به چهار نوع جنگ در طول تاریخ اشاره شده است. نوع اول، جنگ میان قبایل مجاور و همسایه یا عشایر؛ نوع دوم، جنگ تجاوزطلبانه و استثمارگرانه؛ نوع سوم، جنگ ایدئولوژیک و نوع چهارم، جنگ دفاعی حکومت‌هاست. دو نوع از این جنگ‌ها، جنگ عدوانی و تجاوزطلبانه است که تهاجمات آشوریان در این زمره قرار می‌گیرد، اما دو نوع دیگر، دفاعی و آزادی‌بخش است که مورد آخری در مورد مردم سرزمین ماد صدق می‌کند.

9. در رابطه با این لشکرکشی، همچنین نگاه شود به: Huart, 1998:27; Bryce, 2009:496-497

10. Nimrūd Slab Inscription
11. Mighty Medes
12. Second Nimrūd Slab
13. Powerful Medes
14. Matai
15. Bousai
16. Paretakenians
17. Struchates
18. Arizantians
19. Budians
20. Magians
21. Rathaeshtar
22. Ratha
23. Eshtar
24. Naphtha

25. اتیوپی واژه یونانی است که دو بار در کتاب ایلید و سه بار در اودیسه هومر به آن اشاره شده است. مورخان یونانی و از جمله هرودوت این اصطلاح را به‌صورت خاص برای تمام سرزمین‌های واقع در جنوب مصر (از جمله سودان و اتیوپی کنونی) به‌کار می‌بردند. گفته می‌شود که آنان کمان‌های بزرگی داشته‌اند (هرودوت، کتاب سوم، بند 21).

26. ماریو لیورانی واژه آلانی - دننوتی Alani- dannuti را به معنای قصبه‌های مستحکم Fortified Towns در نظر گرفته (Liverani, 1995, 184) و بنسون در جلد دوم کتاب خود با عنوان «فرعون در جنگ» آن را به معنای شهرهای محکم Strong Cities معنا کرده است (Benson, 2003, 177).

27. Alani sehrati

28. برای اطلاعات بیشتر، نگاه شود به: بریان، 1378، جلد اول، 103 (Kuhrt, 2007:56-58)

14. منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمان (1351)، مقدمه، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افتخارزاده، محمودرضا (1377). ایران آئین و فرهنگ، انتشارات رسالت قلم، چاپ اول تهران.
- ابن بلخی (1374). فارسنامه، با توضیحات و حواشی منصور رستگار فسائی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- بریان، پی‌یر (1378). تاریخ امپراتوری هخامنشیان، جلد اول، مهدی سمسار، تهران: زریاب.
- بیژن، اسداله (1350). سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، دوره‌های اوستایی، ماد و هخامنشی، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم.
- پورداد، ابراهیم (1378). گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا، انتشارات اساطیر، تهران.
- پیرنیا، حسن (1380). تاریخ ایران باستان، انتشارات افسون، جلد اول، چاپ اول، حبیبی تهران.
- جمشیدی، محمد حسین (1380). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، انتشارات دانشکده فرماندهی، چاپ اول، تهران.
- جنیدی، فریدون (1374). زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه گفتارهای ایرانی، انتشارات گیتی، چاپ دوم.
- چند تن از خاورشناسان فرانسوی (1366). تمدن ایرانی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- رضی، هاشم (1382). دین و فرهنگ ایرانی، انتشارات سخن چاپ اول تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1371). ایران قبل از اسلام، انتشارات امیرکبیر تهران.
- سرافراز، فیروزمندی، علی‌اکبر، بهمن (1373). ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، انتشارات جهاد دانشگاهی هند، چاپ اولف.

تکوین و تحول در روند سیاست‌های نظامی ... کورش صالحی

- علی‌یف، اقرار (1388). **تاریخ ماد**، کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس.
- فرای، ریچارد نیلسون (1380). **تاریخ باستان ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (1960). **شاهنامه فردوسی: متن انتقادی، تحت نظری، ا. برتلس**، مسکو، اداره انتشارات ادبیات خاور.
- کناوت ولفگانگ (2535). **آرمان شهریاری ایران باستان - از کسفن تا فردوسی**، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر چاپ اول تهران.
- گروسه رنه و هانری ماسه (1381). **تاریخ تمدن**، ترجمه جواد محیی، انتشارات گوتنبرگ، تهران.
- پیکولوسکایا، جمعی از نویسندگان (1364). **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان صده هجدهم**، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، جلد اول.
- مشکور، محمدجواد (1377). **تاریخ اجتماعی ایران**، انتشارات دانش‌سرای عالی، تهران.
- ناردو، دان (1379). **امپراطوری ایران**، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات ققنوس، تهران.
- دوستخواه، جلیل (1370). **اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان**، تهران: مروارید.
- دیاکونوف (1345). **تاریخ ماد**، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
- زرین‌کوب، روزبه (1367). «مدخل ایران»، **دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**، زیرنظر کاظم موسوی‌بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد 10.
- ثلاثی، محسن (1389). **جهان ایرانی و ایران جهانی**، نشر مرکز، تهران.
- توین‌بی، آرنولد (1373). **جنگ و تمدن**، ترجمه خسرو رضایی، نشر علمی و فرهنگی.
- هرودت (1383). **تاریخ هرودت**، ترجمه با مقدمه و توضیحات و حواشی از هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- Benson, Douglas S. (2003). *Pharaoh at War*, Chicago, The Authors.
- Bryce, Trevor (2009). *The Routledge Handbook of the Peoples and Places of Ancient Western Asia*, NY, Routledge.
- Helm, R.R. (1981). "Herodotus", *Medikos Logos and Median history*, Iran 19.

- Huart (1998). *Clement, Ancient Persia and Iranian Civilization*, trans. M.R. Dobie, NY, Routledge.
- Iyer (2009). *Meena; Faith & philosophy of Zoroastrianism*, Dehli, Kalpaz publications.
- Kuhrt, Amelie (2007). *The Persian Empire: A Corpus of Sources from the Achaemenid period*, Vol. 1, London and NY: Routledge.
- Liverani, Mario (1995). *Neo-Assyrian Geography*, Roma, Università di Roma.
- Luckenbill Daniel D. (1926). *Ancient Records of Assyria and Babylon*, Chicago: The University of Chicago.
- Plato (2001). *Plato's Republic*, trans. Benjamin Jowett, Baltimore, Maryland, Agora Publications Inc.
- Potts, D. T. (2014). *Nomadism in Iran: From Antiquity to the Modern Era*, NY, Oxford University Press.
- Rollin, Charles (1844). *Ancient History: Containing the History of the Egyptians, Assyrians*, NY: Robert Carter.
- Schmitt, Rüdiger (1994). "Deioces" in, *Encyclopaedia Iranica*, Vol. VII, Fasc. 3, pp. 226-227.